

ویژگی های اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه

فرج الله میرعرب*

اشاره

نخستین گام برای رشد و تعالی انسان، شناخت قرآن و درک مفاهیم آن است؛ ولی همراه این شناخت، شناخت اهل بیت علیهم السلام و فهم سخنان آنان نیز برای «درک مفاهیم قرآنی» و یافتن راه هدایت و رستگاری ضروری است. در شناخت قرآن و نیز برای شناخت اهل بیت علیهم السلام باید به متخصص و دانای به زوایای وجودی آنها رجوع کرد. بر اساس روایات متواتری که عالمان شیعه و اهل سنت تأیید کرده اند، اصطلاح اهل بیت علیهم السلام پس از نزول آیه تطهیر میان مسلمانان مطرح شد و رواج یافت.^۱ این افراد بر اساس آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، معصوم هستند؛ چون از هر نوع پلیدی فکری یا عملی، پاک هستند. بنا بر روایاتی که عالمان بزرگ اهل سنت مانند حاکم نیشابوری،^۲ جوینی خراسانی^۳ و سیوطی^۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند، مصداق اهل بیت علیهم السلام خود پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن و حسین علیهما السلام و نه فرزند از نسل حسین علیه السلام هستند. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله عارف ترین شخص به مقامات و فضایل اهل بیت علیهم السلام، امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که خود عضوی از آنان و شاگرد خاص، برادر، باب علم و جان رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدر اهل بیت علیهم السلام بوده است.

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. احزاب: ۳۳.

۲. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۱۶.

۳. ابراهیم بن محمد جوینی خراسانی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۱۳۳.

۴. عبدالرحمن جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۶۰۶.

محبوبیت اهل بیت علیهم السلام نزد همه مسلمانان

اهل بیت علیهم السلام نزد همه مسلمانان عزیز بوده و هستند. امام محمد بن ادریس شافعی که شافعیان اهل سنت پیرو او هستند، در محبت اهل بیت علیهم السلام چنین سروده است:

إِنْ كَانَ رَفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلَيْشَهِدِ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي

اگر محبت اهل بیت رفض و خروج از دین است، جنّ و انس بدانند که من رافضی هستم.

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ

ای خاندان نبوت، محبت شما فرضی است که از جانب خداوند در قرآن آمده است.

كَفَاكُمْ مِنْ عَظِيمِ الْقَدْرِ أَنْكُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ لَا صَلَاةَ لَهُ^۱

همین در عظمت شأن شما کافی است که هر کس در نماز صلوات بر شما نگفت، نمازی ندارد.

سعدی نیز نیازمندانه به اهل بیت علیهم السلام، سلام می‌کند:

سلامٌ علیکم اهل بیت کرامه و مقصد محتاج و مأمن خائف^۲

اما در مذهب شیعه که خمیرمایه وجودی اش محبت اهل بیت است، فیض کاشانی عاشقانه در خانه اهل بیت علیهم السلام می‌رود و می‌سراید:

ولای آل پیغمبر بود معراج روح من به جز این آسمان‌ها آسمانی کرده‌ام پیدا

به حبّ الله مهر اهل بیت است اعتصام من برای نظم ایمان ریسمانی کرده‌ام پیدا

زمهر حق‌شناسان هر چه خواهم می‌شود حاصل درون خویشتن گنج نهانی کرده‌ام پیدا

سخن‌های امیرالمؤمنین دل می‌برد از من ز اسرار حقایق دلستانی کرده‌ام پیدا

ویژگی‌های اهل بیت علیهم السلام از نگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

امام علی علیه السلام اوصاف و ویژگی‌های آل پیامبر و امامان اهل بیت علیهم السلام را در نهج البلاغه بیان می‌کند و موقعیت شخصیتی آنان را پس از پیامبر صلی الله علیه و آله روشن می‌سازد که در ادامه به مواردی از این اوصاف و ویژگی‌ها اشاره می‌شود.

۱. محمد بن ادریس شافعی، دیوان الإمام الشافعی.

۲. مصلح‌الدین سعدی، مواعظ، مفردات، باقی مفردات.

۱. بی نظیری آل محمد صلی الله علیه و آله

در اندیشه علوی، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله ستون مستحکم دین و رکن رکن علم و یقین هستند، بدون آنها دین برپا نمی شود و هیچ کس به مقام معرفت و یقین نمی رسد: «لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَرَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَساسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ، إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ النَّالِ»^۱ در این امت هیچ کس را با آل محمد صلی الله علیه و آله مقایسه نتوان کرد. کسانی را که مرهون نعمت های ایشان اند با ایشان برابر نتوان داشت که آل محمد اساس دین اند و ستون یقین، افراط کاران با رجوع به آنان راه اعتدال گیرند و واپس ماندگان به مدد ایشان به کاروان دین پیوندند.

۲. باب علم رسول خدا صلی الله علیه و آله

پیشوایان دین و ائمه معصومین علیهم السلام در جایگاه جانشینان به حق پیامبر صلی الله علیه و آله شهرت یافتند. مبدأ شهرت آنان، پیغمبر صلی الله علیه و آله بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا»^۲ من شهر علمم و علی در آن است». بر همین اساس امام علی علیه السلام فرمود: «نَحْنُ الشَّعَائِرُ وَ الْأَصْحَابُ وَ الْخَزَنَةُ وَ الْأَبْوَابُ وَ لَا تُؤْتَى الْبُيُوتُ إِلَّا مِنْ أَبْوَابِهَا فَمَنْ أَتَاهَا مِنْ غَيْرِ أَبْوَابِهَا سُمِّيَ سَارِقًا»^۳ ما محرم اسرار حق، یاران راستین و گنجینه ها و درهای علوم پیامبریم و هیچ کس داخل خانه ای نمی شود مگر از در آن و کسی که از غیر در وارد خانه شود، دزد نامیده می شود.

چو اصل اهل بیت افتداد حیدر بلی بایست شهر علم را در
چو شهر علم دین پیغمبر آمد اگر بابی ست آن را حیدر آمد^۴

به همین دلیل اهل بیت صندوقچه علوم الهی هستند: «هُم... عَيْبَةُ عِلْمِهِ»^۵.

۳. امین اسرار الهی

از ویژگی بسیار مهم اهل بیت علیهم السلام این است که اسرار الهی نزد آنان است: «هُم مُؤَضِّعُ سِرِّهِ»^۶.

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰، ح ۱.

۳. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

۴. عطار، خسرونامه، در فضیلت امیرالمؤمنین ۷.

۵. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۶. همان.

بدیهی است کسی که می‌خواهد رهبری دین الهی را بر عهده داشته باشد، باید از تمام اسرار دین خدا باخبر باشد؛ چراکه بدون آن پیش‌بینی‌های صحیح را در امر هدایت و تدبیر و نظم امور آنان نمی‌تواند داشته باشد، به‌ویژه اینکه رهبری آنها مربوط به زمان خاصی نیست و برای تمام تاریخ بشر است.

۴. مرجع بیان اوامر خدا

اهل بیت علیهم‌السلام پناهگاهی هستند که هرکس بخواهد بداند خداوند چه امری در مسائل زندگی او دارد، باید به آنها رجوع کند. امام علی علیه‌السلام در وصف اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «هُم... لَجَأُ أَمْرِهِ»^۱ وجود ملجأ و پناه‌بودن برای تشخیص امر درست از نادرست، برای هدایت انسان‌ها بسیار مهم است. تشخیص نوع اوامر الهی در قرآن که واجب است یا مستحب، حرام است یا مکروه، ارشادی است یا مولوی، کار کسانی است که از طریق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌السلام با وحی ارتباط داشته باشند که تنها اهل بیت علیهم‌السلام هستند.

۵. مرجع احکام و تشخیص حکمی

در ویژگی دیگر، اهل بیت علیهم‌السلام مرجع احکام الهی دانسته شده‌اند: «هُم... مَوْثِلُ حُكْمِهِ»^۲ بر این اساس مردم در اختلاف‌های فکری و قضایی باید به آنها رجوع کنند تا رفع اختلاف و حلّ مشکل شود. ممکن است جمله «مَوْثِلُ حُكْمِهِ» باشد؛ حِکْم جمع حکمت است؛ پس معنای جمله این است که فلسفه‌ها و حکمت‌های احکام الهی بخشی از علوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌السلام و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام را شکل می‌دهد.

۶. حافظ کتاب‌های آسمانی

وصف دیگر خاندان عصمت و طهارت، «وَكُفُوفُ كُتُبِهِ»^۳ است. این جمله بیان‌کننده این حقیقت است که محتوای همه کتب الهی نزد آنان است. علی علیه‌السلام می‌فرمود: «أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ تَنَبَّيْتُ لِي وَسَادَةٌ فَجَلَسْتُ عَلَيْهَا لَأَفْتَيْتُ أَهْلَ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ... وَأَفْتَيْتُ أَهْلَ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ... وَ

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

أَفْتَيْتُ أَهْلَ الْقُرْآنِ بِقُرْآنِهِمْ...^۱ به خدا سوگند اگر مسندی برای من آماده شود و بر آن بنشینم، برای پیروان تورات به توراتشان فتوا می‌دهم و ... برای پیروان انجیل به انجیلشان و برای اهل قرآن به قرآنشان...».

۷. کوه‌های استوار دین

اهل بیت علیهم‌السلام که هم‌وزن قرآن هستند، کوه‌های استوار دین هستند: «وَجِبَالُ دِينِهِ»^۲. این معرفی اشاره به چیزی است که در آیات متعددی از قرآن مجید درباره کوه‌ها و نقش آن در حفظ آرامش زمین و نزول برکات بر آن آمده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَاراً وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^۳ در زمین کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد تا هدایت شوید».

در حقیقت کوه‌ها - همچنان‌که در تفسیر این آیه و آیات مشابه آن آمده است - از یک سو فشارهایی را که از درون و بیرون بر زمین وارد می‌شود، خنثی می‌کنند و از سوی دیگر، منبع بزرگی برای نهرها و چشمه‌های آب و از سوی سوم کانونی برای انواع معادن گرانها هستند.^۴ امامان معصوم نیز مایه آرامش افکار و سیراب‌شدن دل‌ها و نشر ذخایر گران‌بها در میان امت هستند.

۸. مفسران قرآن و کاشفان گنج‌های آن

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در توصیف دیگری از اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرماید: «فِيهِمْ كَرَائِمُ الْقُرْآنِ وَ هُمْ كُنُوزُ الرَّحْمَنِ إِنْ تَطَقُّوا صَدَقُوا وَ إِنْ صَمْتُوا لَمْ يُسَبِّحُوا»^۵ معارف آیات کریمه قرآن در میان آنان و درباره آنان است. آنان گنجینه‌های خدای رحمان‌اند؛ اگر زبان به سخن گشایند، راست گویند و اگر خاموشی گزینند، به آن معنا نیست که دیگران بر آنان سبقت گرفته و برتری دارند». جمله «فِيهِمْ كَرَائِمُ الْقُرْآنِ» ممکن است به این معنا باشد که قرآن کرامت‌هایی درباره اهل بیت علیهم‌السلام بیان کرده است یا به این معنا که آیات کریمه قرآن و تفسیر آن نزد آنهاست. بر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۸، ح ۱.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۲.

۳. نحل: ۱۱۵.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۵. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴.

اساس این معنا، جمله مذکور اشاره به مفهوم حدیث «ثقلین» است که می‌گوید: اهل بیت علیهم‌السلام هرگز از قرآن جدا نمی‌شوند.

شاهد درستی معنای یادشده این است که امام علی علیه‌السلام در جمله بعد می‌فرماید: اهل بیت علیهم‌السلام «كُنُوزُ الرَّحْمَنِ: اهل بیت علیهم‌السلام خزانه و گنج‌های ساحت رحمانی خدا» هستند. روشن است که اهل بیت علیهم‌السلام گنج مادی نیستند، بلکه معارف، تعلیمات و احکام گران‌بهای الهی نزد آنهاست. به همین دلیل اگر سخن بگویند، درست است: «إِنْ نَطَقُوا صَدَقُوا». همین دانایی و صدق در کلام دلیل آن است که همراهی و پیروی از آنان ضروری است؛ چنان‌که خدای متعال می‌فرماید: «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ».^۱

این دانیان و گنج‌های معارف ممکن است در شرایطی سکوت کنند؛ ولی اگر چنین کردند، جاهلان نباید خیال کنند که از آنان دانا ترند: «إِنْ صَمَّتُوا لَمْ يُسَبِّحُوا». سکوت آنها هرگز به معنای ناتوانی در پاسخ‌گویی نیست، بلکه به مقتضای مصلحت و حکمت است.

۹. سبب سلامت و استحکام اسلام

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خطبه دوم نهج‌البلاغه، پس از بیان شش صفت، نتیجه داشتن این اوصاف را کارکردی سرنوشت‌ساز برای اهل بیت علیهم‌السلام بیان کرده‌اند: «بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءَ ظَهْرِهِ، وَأَذْهَبَ ازْتِعَادَ قَرَائِصِهِ: خدا به وسیله آنان [امامان اهل بیت] قامت دین را راست کرد و لرزش و تزلزل و وحشت آن را از میان برد».

دین همواره از سوی دشمنان دانا و دوستان نادان تحت فشار بوده است و خطر بدعت‌ها، غلو و مسامحی‌گری آن را تهدید کرده است. امیرمؤمنان علیه‌السلام با تعبیر «بِهِمْ أَقَامَ انْحِنَاءَ ظَهْرِهِ: راست‌شدن خمیدگی پشت» کنایه لطیفی به کار می‌برد که نشان می‌دهد اگر اهل بیت علیهم‌السلام نبودند، اسلام از فشار امت منافق، نادان، اهل غلو و دنیا طلب کمر خم می‌کرد. مشکلات و انحراف‌های جامعه اسلام پس از چهارده قرن هنوز با احادیث و افکار آن بزرگواران، خنثی می‌گردد و قامت دین راست می‌شود.

مکاتب الحادی و منحرفان دینی و اعتقادی در طول تاریخ، مؤمنان را درگیر اضطراب‌ها و فشارهای روحی بسیاری کرده‌اند؛ این فشارها به وسیله ائمه هدی خنثی می‌شود و آرامش

خویش را باز می‌یابد. اگر امام علیه‌السلام فرمود: «وَأَذْهَبَ اِزْتِعَادَ فَرَاثِصِهِ»، اشاره کنایی به همین مسئله است.

۱۰. اهل بیت علیهم‌السلام تنها را نجات

در اندیشه علوی، طی هر مسیری برای وصول به حق - که هدف متعالی انسان‌هاست - غیر از مسیر ولایت و عترت خطاست. تنها مسیر وصول به حق، خط اهل بیت و صراط عترت علیهم‌السلام است؛ چون آنان تجسم عملی و عینی صراط مستقیم‌اند. علی علیه‌السلام فرمود: «انْظُرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَإِلَازِمُوا سَمَتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَلَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَلَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَلَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا»^۱ به خاندان پیامبرتان بنگرید و همراه آنان باشید. به هر سمتی که گام برمی‌دارند، شما هم به همان سمت گام بردارید؛ زیرا آنها هرگز شما را از راه راست خارج نمی‌کنند و به سستی باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند، شما هم سکوت کنید و اگر قیام کردند، شما هم قیام کنید و از آنها پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد و از آنان عقب نمانید که هلاک خواهید شد». به همین دلیل وصی به حق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم فرمود: «مَنْ تَمَسَّكَ بِنَا لِحَقٍّ وَمَنْ سَلَكَ غَيْرَ طَرِيقَتِنَا غَرِقَ»^۲ هر کس به ما تمسک کند، به ما ملحق می‌شود و هر کس از ما تخلف کند و راه دیگری برود، غرق خواهد شد».

بر همین اساس رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم نیز درباره نفر پنجم اهل بیت علیهم‌السلام، حسین بن علی علیه‌السلام فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحَ الْهُدَى وَسَفِينَةَ النَّجَاةِ»^۳ همانا حسین علیه‌السلام مصباح هدایت و کشتی نجات است». همچنین در منابع روایی آمده است: «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحٌ هَادٍ وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ»^۴ در طرف راست عرش نوشته شده است: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است».

فردوسی با توجه به همین روایات است که اهل بیت علیهم‌السلام را کشتی نجات معرفی می‌کند:

منم بنده اهل بیست نبی ستاینده خاک و پای وصی
حکیم این جهان را چو دریا نهاد برانگیخته موج ازو تن‌دباد

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۹۷.

۲. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۲۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵.

۴. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ص ۴۰۰.

چو هفتاد کشتی برو ساخته	همه بادبان‌ها برافراخته
یکی پهن کشتی بسان عروس	بیاراسته همچو چشم خروس
محمد بدو اندرون با علی	همان اهل بیت نبی و ولی
خردمند کز دور دریا بدید	کرانه نه پیدا و بن ناپدید
بدانست کوموج خواهد زد	کس از غرق بیرون نخواهد شدن
به دل گفت اگر با نبی و وصی	شوم غرقه، دارم دو یار وفی ^۱

تعجب از گمراهی مردم با وجود اهل بیت علیهم‌السلام

مردم صدر اسلام که پس از سال‌های محدودی که از رحلت رسول رحمت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گذشت، دچار انحراف شده بودند و افکار مختلفی در میان آنها رواج پیدا کرده بود، از سوی امیرالمؤمنین علیه‌السلام عتاب می‌شوند و ایشان با تعجب از انحراف با وجود اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «فَإِنَّ تَذَهُبُونَ وَأَنْتَى تُؤْفَكُونَ وَالْأَعْلَامُ قَائِمَةٌ وَالْآيَاتُ وَاضِحَةٌ وَالْمَنَارُ مَنْصُوبَةٌ فَإِنَّ يَتَاهُ بِكُمْ وَكَيْفَ تَعْمَهُونَ وَبَيْنَكُمْ عِثْرَةُ نَبِيِّكُمْ وَهُمْ أَرْمَةُ الْحَقِّ وَأَعْلَامُ الدِّينِ وَالسِّنَّةُ الصَّدَقِ فَأَنْزِلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ وَرِدُّهُمْ وَرُودُ الْهِيمِ الْعِطَاشِ»^۲ پس به کجا می‌روید و کی بازگردانده شوید. دلیل‌ها برپاست و نشانه‌ها آشکار است و علامت‌ها را نصب کرده‌اند. این گمراهی و حیرانی تا چند و حال آنکه خاندان پیامبرتان که زمامداران حق‌اند و اعلام دین و زبان راستین، در میان شما هستند. آنان را حرمت دارید، همان‌گونه که قرآن را حرمت باید داشت و چون تشنه‌کامان که به آب می‌رسند، از سرچشمه فیض ایشان سیراب شوید».

عملکرد امام علی علیه‌السلام نمونه کارکرد اهل بیت علیهم‌السلام

امام علی علیه‌السلام در توضیح عملکرد خود می‌فرماید: «أَلَمْ أَعْمَلْ فِيكُمْ بِالثَّقَلِ الْأَكْبَرِ وَأَتْرُكُ فِيكُمْ الثَّقَلَ الْأَصْغَرَ؟ قَدْ رَكَّزْتُ فِيكُمْ رَايَةَ الْإِيمَانِ وَقَفَّضْتُكُمْ عَلَى حُدُودِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَالْأَبْسُتُكُمْ الْعَافِيَةَ مِنْ عَدْلِي وَفَرَّضْتُكُمْ الْمَعْرُوفَ مِنْ قَوْلِي وَفَعَلِي وَأَرَيْتُكُمْ كِرَامَتِ الْأَخْلَاقِ مِنْ نَفْسِي»^۳ آیا من در میان شما به "ثقل اکبر" [قرآن] عمل نکردم؟ آیا "ثقل اصغر" [عترت] را در میان شما

۱. فردوسی، شاهنامه، آغاز کتاب، بخش ۷، گفتار اندر ستایش پیامبر.

۲. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۸۷.

۳. همان.

نگذاشتم؟! من پرچم عدالت را در میان شما برافراشتم و بر حدود حلال و حرام آگاهتان کردم و از عدالت خویش جامه عافیت بر تتان پوشاندم و معروف را با گفتار و کردارم، در میان شما گسترش دادم و اخلاق کریمه را با رفتار و منش خود به شما نشان دادم».

در نهایت امام علیه السلام به ناآشنایان به شأن و منزلت اهل بیت علیهم السلام توصیه می کنند: «فَلَا تَسْتَعْمِلُوا الرَّأْيَ فِيمَا لَا يُدْرِكُ قَعْرَهُ الْبَصَرُ وَلَا تَتَغَلَّلْ إِلَيْهِ الْفِكَرُ»^۱ در مورد چیزی که بصیرت شما به ژرفای آن نمی رسد و فکر و اندیشه بشری را بدان راه نیست، نظر ندهید و قضاوت نکنید».

عزاداری امام علی برای امام حسین علیه السلام

حضرت امام حسین علیه السلام از مصادیق بارز اهل بیت علیهم السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام در مواردی درباره مصایبی که بر امام حسین علیه السلام وارد خواهد شد، عزاداری کرده اند که در ادامه به مواردی اشاره می شود.

۱. گریه بسیار علی علیه السلام بر حسین علیه السلام در مسیر صفین

ابن عباس می گوید زمانی که امیرمؤمنان علیه السلام به سمت منطقه صفین حرکت می کردند، همراه ایشان بودم. وقتی به نینوا در کنار فرات رسید، با صدای بلند فریاد زد: ای پسر عباس، اینجا را می شناسی؟ گفتم: خیر ای امیرالمؤمنین. فرمود: «اگر همانند من اینجا را می شناختی، عبور نمی کردی، مگر اینکه مثل من می گریستی». امام علیه السلام آن قدر گریست که محاسن مبارکش خیس شد و اشک بر سینه اش روان شد. امیرمؤمنان می فرمود: «وای وای، مرا با آل ابوسفیان چه کار؟! با آل حرب چه کار؟! آنان حزب شیطان و اولیای کفر هستند؛ صبر کن ای اباعبدالله الحسین که پدرت همانند آنچه [ظلم و ستم] را تواز آنها خواهی دید، از آنها دیده است ...»^۲.

۲. گریه هنگام عبور امیرمؤمنان از کربلا

امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام نقل کرد: امیرالمؤمنین علی علیه السلام با دو نفر از یاران خود از کربلا عبور کرد؛ همین که آن سرزمین را مشاهده کرد، چشمانش پر از اشک شد و سر بسته فرمود: «هَذَا مَنَاخُ رِكَابِهِمْ، وَهَذَا مَلَقَى رِحَالِهِمْ، وَهَاهُنَا تُهْرَاقُ دِمَاؤُهُمْ، طُوبَى لَكَ مِنْ تَرْبَةِ عَلِيكَ

۱. همان.

۲. شیخ صدوق، الامالی، ج ۱، ص ۶۹۴ - ۶۹۵.

تُهْرَاقُ دِمَاءَ الْأَحِبَّةِ: ^۱ اینجا محل پیاپی شدن ایشان است. اینجا محل اثاث و خیمه‌گاه آنان می‌باشد، اینجا خونشان ریخته خواهد شد. سپس امام علیه السلام رو به زمین کربلا کرد و فرمود: خوشا به حال تو خاکی که خون‌های محبوب‌ها روی تو ریخته خواهد شد».

۳. گریه حضرت علی علیه السلام با خواندن کتاب

ابن عباس نقل می‌کند که روزی در ذی‌قار بر امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شدم. حضرت کتابی را برایم بیرون آورد و فرمود: ای ابن‌عباس، این کتابی است که پیامبر صلی الله علیه و آله بر من املا فرموده و دست‌خط خودم است.

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین، آن را برایم بخوان. حضرت آن را خواند. در آن کتاب همه آنچه از زمان رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا زمان شهادت امام حسین علیه السلام اتفاق افتاده و اینکه چگونه کشته می‌شود و چه کسی او را می‌کشد و چه کسی او را یاری می‌کند و چه کسانی همراه او شهید می‌شوند، پیشگویی شده بود. وقتی امام علیه السلام کیفیت قتل امام حسین علیه السلام را خواند، بسیار گریه کرد و سپس کتاب را بست و بقیه آنچه تا روز قیامت واقع می‌شود، باقی ماند. ^۲

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم: قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ ق.
۲. _____، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت: [بی‌نا]، ۱۹۸۰ م.
۴. حاکم نیشابوری، ابوعبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفه، [بی‌تا].
۵. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد (ط - الحديثه)، تحقیق و نشر: مؤسسه آل‌البيت عليه السلام، ۱۴۱۳ ق.
۶. سعدی، مصلح‌الدین، مواعظ، مفردات، باقی مفردات، نرم‌افزار گنجور، زیرنظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ج ۱، ص ۲۶..

۲. سلیم بن قیس الهمدانی، کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، ج ۱، ص ۴۳۵.

۷. سیدرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تنظیم: صبحی صالح، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۸. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: [بی‌نا]، ۱۹۹۳ م.
۹. شافعی، محمد بن ادريس، دیوان الإمام الشافعی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۱۱. عطار، فریدالدین، خسرونامه، نرم‌افزار گنجور، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۱۲. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، نرم‌افزار گنجور، زیر نظر حمیدرضا محمدی، نسخه ۲/۸۷، dg.ganjoor.net.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق: محمدباقر الانصاری الزنجانی، قم: الهادی، ۱۴۲۰ ق.